خاطره‏هاى ماندگار

سعيده غروى

شيخ صدوق

محمدبن على بن بابويه معروف به «شيخ صدوق» در حدود سال 306 ق در شهر قم متولد شد. در ارتباط با ولادت شيخ صدوق ماجرائى نقل شده كه از اين قرار است: «على بن حسين بن موسى بن بابويه» پدر «شيخ صدوق» پنجاهمين بهار عمرش را پشت سرگذاشته بود و رو به پيرى مى‏رفت، وليكن از داشتن فرزند محروم بود. با اين حال هرگز از رحمت الهى نااميد نبود و بارها از خداى خويش درخواست فرزند كرده بود روزى بر آن شد تا نامه‏اى به امام و پيشواى خود حضرت مهدى (عج) بنويسد و از ايشان بخواهد تا برايش دعا كند.كاروانى از قم عازم عراق بود و در آن، يكى از دوستانش به نام «ابوجعفر» را يافت كه مى‏توانست نامه وى را به مقصد برساند. ابوجعفر مى‏گويد من نامه او را به نماينده مهدى موعود (عج) رساندم و پس از سه روز به من خبر داد كه حضرت براى «ابن بابويه» دعا كرد و در آينده نزديك خداوند به او فرزندى خواهد داد كه منشاء بركات زيادى خواهد شد.

شيخ صدوق خود نيز ماجراى دعاى حضرت ولى عصر (عج) و ولادت خود را در كتاب «اكمال الدين» آورده و در ادامه نوشته كه هرگاه «ابوجعفر محمدبن على اسود» مرا مى‏ديد كه براى آموختن حديث و علوم اهل بيت (عليهم السلام) با اشتياق تمام به درس اساتيد مى‏رفتم، مى‏فرمود: اين ميل و اشتياق به علم آموزى كه تو دارى جاى تعجب نيست، زيرا تو به دعاى امام زمان متولد شده‏اى .

دوران تحصيل

«شيخ صدوق» در سنين كودكى فراگيرى دانش دينى را نزد پدر آغاز كرد و با جدّيت و سعى پيگير به فراگيرى علم و معرفت همت گماشت.پس از آن كه به مرتبه بالايى از تحصيل رسيد براى درك محضر اساتيد بزرگ و حديث شناسان آن دوران سفرهاى علمى خود را آغاز كرد.

دانشمند محقق شيخ عبد الرحيم ربانى شيرازى (رحمة الله عليه) در پيشگفتار كتاب شريف «معانى الاخبار» 252 تن از اساتيد وى را نام برده است.

عصر حديث

عصر صدوق را بايد «عصر حديث» ناميد. دوره‏اى كه با حركت علمى «كلينى» آغاز شد و با تلاش‏هاى پيگير و بى‏وقفه «صدوق» ادامه يافت.

«شيخ كلينى» كه از «كلين» به «رى» هجرت كرد، در آنجا كتاب «كافى» اولين كتاب از مجموعه چهار گانه روائى شيعه را نگاشت، با اين حركت علمى جديد، مكتب حديث نگارى اهل بيت «عليهم‏السلام» را پى‏ريزى كرد. كه ديگران از جمله شيخ صدوق، بناى مستحكم ضبط و نشر حديث را بر آن بنياد نهادند.

رفته رفته به مباركى دعاى حضرت ولى عصر (عج) بركت وجود شيخ صدوق فراگير و شهرتش عالمگير شد. شيخ صدوق را نمى‏توان، تنها يك محدث يا فقيه يا اصولى ناميد، بلكه با نظر به گوناگونى تأليفات او و سخنان عالمان دين در حق وى، پى به دامنه دانش بى‏كران او مى‏بريم .

بيشترين فرصت و زحمت وى صرف جمع آورى و تدوين و تبويب و نشر احاديث و نگارش كتب مختلف شد. و اين امر جز با تسلط او بر آن رشته‏هاى علمى تحقق نخواهد يافت.

تبويب و تدوين حديث با توجه به موقعيت زمانى «صدوق» و نبود يا كمبود امكانات نگارشى و تحقيقى در آن عصر، حاكى از تلاش طاقت فرساى او است. امروزه با وجود امكانات زياد چنين امر بزرگى حتى از توان يك گروه علمى هم خارج است.

صدوق با كار ابتكارى خود در تنظيم آثار معصومين (عليهم السلام) چشمه سارى را جارى ساخت كه نسل‏هاى آينده توانستند از جويبار روان و زلال آن نيازهاى علمى و دينى بشريت را مرتفع سازند.

صدوق در نگاه ديگران

بزرگى شخصيت صدوق آنچنان است كه دانشمندان معروف اسلامى - اعم از شيعه و سنى - هر جا به نام وى رسيده‏اند، زبان به مدحش گشوده و او را به بزرگى ياد كرده و با لقب‏هاى بلند و عبارت‏هاى پر معنا از او نام برده‏اند.

شيخ طوسى در «الفهرست» مى‏نويسد: ... صدوق، بزرگوار و حافظ احاديث، ناقد اخبار و نسبت به رجال دانا بود....

محمدبن ادريس در كتاب «سرائر» آورده: «دانشمند بزرگوار و مورد اطمينان، متخصص اخبار، ناقد آثار، عالم به رجال و حافظ بزرگ حديث بود، او استاد پيشواى ما شيخ مفيد محمد بن محمد بن نعمان است.»

نجاشى، رجالى معروف نوشته:

«صدوق، بزرگ و فقيه ما، چهره معروف شيعيان در خراسان بود. در سال 355 در سنين جوانى به بغداد سفر كرد و بزرگان آنجا در محضر او استفاده بردند.»

سيدبن طاووس نيز او را اين گونه توصيف كرده است:

«شيخ ابو جعفر محمد بن على بن بابويه، كسى كه دانش و درستكارى او مورد اتفاق و در گفتار مورد اطمينان كامل است.»

شيخ اسدالله شوشترى در «مقابس الانوار» آورده:

«صدوق، رئيس محدثين، زنده كننده اساس دين، دارنده فضايل و مكارم، او و برادرش به دعاى امام عسگرى و ولى عصر «عليهم السلام» به دنيا آمده‏اند.»

علامه مامقانى در كتاب شريف «تنقيح المقال» نگاشته:

«محمدبن على بن بابويه عموم مردم از فقاهت او و فقها از احاديث او بهره جسته‏اند و دانشمندان متخصص از او ياد كرده و بر او درود فرستاده‏اند.»

مرحوم سيد حسن صدر نيز در معرفى وى مى‏نويسد:

«محمدبن على بن حسين، بيش از 300 كتاب تأليف كرد و همانند او در ميان دانشمندان اسلامى وجود ندارد.»

خيرالدين زركلى (اهل سنت) در كتاب معروف «الاعلام» آورده:

«محمدبن على بن حسين، معروف به «شيخ صدوق» مانند او در بين علماى قم يافت نشده است. در رى اقامت داشت و در منطقه شرق و خراسان مقام والايى داشت. در شهر رى بدرود حيات گفت و در همانجا به خاك سپرده شد و حدود 300 كتاب تأليف كرده است.»

عمر رضا كحاله از «عالمان اهل سنت» در حق وى نوشته:

«محمد بن على بن الحسين ... شيعى مفسر، فقيه، اصولى، محدث، حافظ، آشناى به رجال، ... (بوده است).»

آثار صدوق

پرداختن به نوشته‏هاى صدوق خود كتاب مستقلى را مى‏طلبد و بجاست كه «كتابنامه صدوق» نگارش يابد و نوشته‏هاى اين دانشمند گرانمايه به جامعه علمى و اسلامى شناسانده شود.

برخى كتاب‏هاى او را قريب به سيصد عدد، و برخى تا 198 كتاب براى وى بر شمرده‏اند. اين در حالى است كه اهميت صدوق به زيادى تأليفات وى نيست، بلكه به سودمندى كار اوست.

در اين نوشته، مختصر اشاره‏اى به برخى از مهمترين آثار او مى‏نماييم.

كتاب «من لا يحضره الفقيه»

مشهورترين و بزرگترين كتاب صدوق (پس از مدينه العلم) همين كتاب است كه يكى از «كتب اربعه» روايى شيعه به شمار مى‏آيد. اين كتاب حاوى شش هزار حديث مى‏باشد كه براساس موضوعات مختلف فقهى تدوين شده است.»

شيخ صدوق در مقدمه آن آورده كه:

«من نخواستم مانند ساير مصنّفان رواياتى را كه در هر موضوع رسيده است ثبت كنم، بلكه در اين كتاب رواياتى را آورده‏ام كه براساس آن فتوا مى‏دهم و آن‏ها را صحيح مى‏دانم و معتقد به صحّت آن‏ها مى‏باشم و ميان من و پروردگار حجت است.»

كمال الدين و تمام النعمة

صدوق اين كتاب را در اواخر عمرش تأليف كرده است. در آن عصر از طرف فرقه اسماعيليه و فرقه زيديه و طرفداران جعفر كذّاب و پيروان زيادى از اهل تسنّن ايرادهايى به فرقه اماميه وارد شده و بدين وسيله اذهان مردم را مشوش مى‏كردند. لذا شيخ صدوق اين كتاب را تأليف و در اول اين كتاب اشكالات مخالفين را نقل مى‏كند و سپس به آن‏ها پاسخ مى‏دهد و به خوبى از عقيده اماميه دفاع و به طور تفصيل درباره قائم آل محمد (عج) بحث مى‏كند.

معانى الاخبار

اين كتاب در بردارنده رواياتى است كه موارد ابهام و مشكل احاديث و آيات قرآن را توضيح داده است.

عيون اخبار الرضا (عليه السلام)

اين كتاب را براى «صاحب بن عباد» وزير دانشمند و دين پرور آل بويه نگاشته و در آن رواياتى كه از امام رضا (ع)

نقل شده گرد آورده است.

خصال

اين كتاب كه دربردارنده نكات اخلاقى، علمى، تاريخى و فقهى و پندهاى درس‏آموز مى‏باشد. براساس سلسله اعداد ترتيب يافته كه اين تدوين و تنظيم نيز بر زيبايى و شيوايى و ارزش كار وى در اين اثر افزوده است.

امالى (مجالس)

مجموعه درس‏ها و سخنرانى‏هاى شيخ صدوق در اين اثر گرد آمده است. مطالب آن را شاگردان او تحرير كرده‏اند.

علل الشرايع

اين كتاب، حاوى علت‏ها و فلسفه احكام مى‏باشد، مؤلف تمام احاديثى كه به علل و فلسفه احكام اشاره شده، در يك مجموعه به همين نام نگاشته است و شايد اولين كتاب در موضوع خود مى‏باشد.

گوهر گمشده «مدينة العلم»

مهمترين كتاب شيخ صدوق كه خود نيز از آن ياد كرده و تا زمان پدر شيخ بهايى مورد استفاده عالمان دينى بوده كتاب «مدينة العلم» است كه مفقود گشته و با كمال تأسف به دست ما نرسيده است.

شيخ طوسى، شيخ منتخب الدين و ديگران از اين كتاب به عنوان يكى از مهمترين تأليفات صدوق ياد كرده‏اند و بسيارى از بزرگان دين از كتاب «مدينة العلم» روايت نقل كرده‏اند.

غروب خورشيد

شيخ صدوق (رحمة الله عليه) سرانجام پس از عمرى تلاش و تحقيق در سنگر علم و فرهنگ اسلامى در سال 381 ق در 75 سالگى دعوت پروردگار خويش را لبيك گفت و در جوار رحمت بى‏منتهاى او جاى گرفت. مرقد مطهر او بنام «ابن بابويه» در شهر رى زيارتگاه مسلمانان است.

اقتباس از كتاب «گلشن ابرار»